خبرخوان

۱۰ هزار کلاس نیازمند بازسازی فوری

ایسنا: مدیرکل آموزش و پرورش شهر تهران با اشاره به فعالیت بیش از ۸۳ هزار معلم در مدارس دولتی و غیردولتی پایتخت گفت: «تراکم دانش‌آموزان در کلاس‌های درس تهران به طور میانگین ۳۱.۲ نفر است که برای رسیدن به استاندارد ۲۶ دانش‌آموز در هر کلاس، ساخت دست‌کم پنج هزار کلاس درس جدید ضروری است».

مجید پارسا، با بیان اینکه حدود ۵۸ هزار معلم در مدارس دولتی و حدود ۲۵ هزار نفر در مدارس غیردولتی شهر تهران مشغول فعالیت و تدریس هستند، گفت: «براساس آمارهای موجود، ۲۳ درصد از دانش‌آموزان تهرانی در مدارس غیردولتی و ۷۷ درصد نیز در مدارس دولتی مشغول به تحصیل هستند». او با بیان اینکه طبق آمارهای موجود ساعات حق‌التدریس در گذشته ۲۴۰ هزار ساعت بود که با جذب معلمان جدید، این آمار به بیش از ۱۰۰ هزار ساعت کاهش یافته است افزود: «این امر نشان‌دهنده تمرکز بر کیفیت آموزشی دارد». مدیرکل آموزش و پرورش شهر تهران با بیان اینکه در شهر تهران نیز براساس سیاست و رویکرد دولت و وزارت آموزش و پرورش، برای محرومیت‌زدایی و تحول در فرایند یادگیری، عملیات اجرایی ۶۴ پروژه عمرانی در سال تحصیلی جاری در سطح پایتخت آغاز شده، ادامه داد: «از این تعداد، ۲۲ پروژه آن با مجموع بیش از ۳۰۰ کلاس درس جدید، تکمیل و تحویل داده شده است». او با بیان اینکه بر اساس آمارها حدود ۱۰ هزار کلاس درس در شهر تهران نیازمند تخریب و بازسازی (اقدام فوری) است که بیشتر این مدارس نیز در مناطق مرکزی و پرجمعیت قرار دارند، افزود: «موضوع ایمنی مدارس به صورت جدی مورد توجه قرار دارد و اقدامات مؤثری در این باره از طریق تفاهم‌نامه‌های همکاری با سازمان‌های مربوطه از جمله آتش‌نشانی برای حفظ ایمنی و نظارت بر بنا انجام شده تا مدارس با رعایت استانداردهای مشخص، ایمن، مقاوم‌سازی و بازسازی شوند که در این باره ۱۹ مدرسه در قالب برنامه مقاوم‌سازی تخلیه، بازسازی و تحویل شهرداری شده است».

مدیر کل آموزش و پرورش شهر تهران با بیان اینکه تراکم جمعیتی دانش‌آموزان تهرانی در کلاس درس ۳۱.۲ نفر است که نُرم منطقی و استاندارد این تراکم ۲۶ دانش‌آموز در یک کلاس است، ادامه داد: «آموزش و پرورش پایتخت برای رسیدن به این استاندارد نیازمند احداث پنج هزار کلاس درس جدید است». به گفته او، آموزش و پرورش شهر تهران در مجموع دو هزار و ۵۰۰ فضای فیزیکی (ساختمان) آموزشی دارد که حدود ۵۰ درصد آن دارای سند رسمی (تک‌برگ) و ملکیت وزارتخانه است و حدود ۲۳۷ مدرسه از این تعداد نیز اوقافی است. پارسا با بیان اینکه طبق ارزیابی‌های انجام‌شده، مناطق ۱۵، ۱۷، ۱۸، ۱۹ و ۹ آموزش و پرورش، دارای پایین‌ترین سرانه آموزشی نسبت به میانگین کشوری هستند، عنوان کرد: «سرانه آموزشی در شهر تهران (مجموع و میانگین) حدود ۵.۴۳ مترمربع است که در برنامه هفتم رسیدن به سرانه ۶.۱ مترمربع هدف‌گذاری شده است».

او با بیان اینکه در حوزه ساخت و نوسازی مدارس، یکی از مشکلات جدی شهر تهران، کمبود زمین و قیمت بسیار بالای آن است و تمرکز برای رفع این چالش استفاده بهینه از زمین‌های موجود و همچنین ظرفیت شهرداری است، افزود: «قرار است حدود ۸۰ مدرسه در مناطق هدف (دارای سرانه پایین) ساخته شود. تراکم دانش‌آموزی در کلاس‌ها هم در حال کاهش است و امسال میانگین آن به حدود ۳۱.۲ نفر در هر کلاس رسیده که بنا داریم طبق برنامه هفتم پیشرفت به میزان استاندارد آن یعنی میانگین «۲۶ دانش‌آموز» نزدیک شویم».

آمار جنجالی زندانیان مهریه صحت ندارد

مرکز رسانه قوه قضائیه اعلام کرد: «تعداد واقعی زندانیان مهریه در کشور بسیار کمتر از ۲۵ هزار نفری است که اخیرا توسط یک نماینده مجلس منتشر شده است». امیرحسین ثابتی‌منفرد، نماینده مردم تهران، ری، اسلامشهر، پردیس و شمیرانات با انتشار مطلبی در یکی از شبکه‌های اجتماعی آمار تعداد زندانیان مهریه در سراسر کشور را ۲۵ هزار نفر اعلام کرده؛ این در حالی است که آمار به‌روز و به لحظه تعداد زندانیان مهریه در سراسر کشور با اختلاف بسیار چشمگیر پایین‌تر از عدد اعلام‌شده است.

اعلام آمار تعداد زندانیان مهریه از سوی یک نماینده مجلس بدون علم و آگاهی جز سوژه‌دادن دست رسانه‌های معاند و مغرض منفعت دیگری ندارد و پیشنهاد می‌شود در این زمینه ضمن استعلام از مراجع قضائی آمار درست و دقیق را با استناد به مراجع قضائی اعلام کند. البته بعد از اعلام آمار ۲۵ هزار نفر، امیرحسین ثابتی در یک اصلاحیه مجدد اعلام می‌کند آمار ۲۵ هزار نفر برای تمام محکومان مالی است و زندانیان مهریه بخشی از این ۲۵ هزار نفر هستند. این در حالی است که آمار ۲۵ هزار نفر مربوط به محکومان مالی هم مقرون به صحت نیست و آمار واقعی عددی پایین‌تر از عدد اعلام‌شده است.

گلایه از آمار دانش‌آموزان بازمانده از تحصیل

ایسنا: وزیر آموزش و پرورش گفت: «آماری که به عنوان ترک تحصیل مطرح می‌شود، آمار واقعی نظام آموزش و پرورش نیست؛ هزاران دانش‌آموز به خارج از کشور مهاجرت کرده یا هزاران دانش‌آموز در مدارس طلاب علوم دینی تحصیل می‌کنند که اطلاعاتشان در سامانه‌ها ثبت نشده یا صدها دانش‌آموز به دلیل معلولیت امکان تحصیل در مدارس عادی را ندارند، اما همه اینها را به عنوان بازمانده از تحصیل معرفی می‌کنند».

علیرضا کاظمی با بیان اینکه علیرغم کمبود نیرو، محدودیت‌ها و موانع متعدد، فعالیت‌های ارزشمند و دستاوردهای قابل توجهی در پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش رقم خورده که آن را به یکی از بخش‌های موفق وزارت آموزش و پرورش تبدیل کرده است، از اقدامات انجام‌شده در پژوهش‌سراها تقدیر کرد و افزود: «در ارزیابی‌های کلان، عملکرد مجموعه پژوهش وزارت آموزش و پرورش مثبت و رو به رشد بوده و نقشه راه، هدف‌گذاری درست و برنامه‌ریزی مناسب، منجر به توسعه رویکردهای پژوهشی و استفاده بهتر از ظرفیت‌های درون‌سازمانی و برون‌سازمانی برای حل مسائل آموزش و پرورش شده است».

وزیر آموزش و پرورش با اشاره به آمار فعالیت‌های پژوهشی ادامه داد: «از سال‌های ۱۴۰۰ و ۱۴۰۱، تعداد فعالیت‌ها و تولیدات پژوهشی تقریبا روی عدد هفت هزار تا هشت هزار متوقف شده بود و تغییر این عدد به‌سختی انجام می‌شد، اما امروز شاهد شکل‌گیری جریان‌های جدید و تحولات مثبت در این حوزه هستیم که نویدبخش آینده‌ای بهتر برای پژوهش در آموزش و پرورش است».

وزیر آموزش و پرورش با اشاره به موضوع بازماندگان از تحصیل گفت: «در بحث بازماندگی از تحصیل هم بارها تأکید کرده‌ام که تحلیل‌های دقیق و علمی ارائه شود. آماری که به عنوان ترک تحصیل مطرح می‌شود، آمار واقعی نظام آموزش و پرورش نیست. هزاران دانش‌آموز به خارج از کشور مهاجرت کرده‌اند که اطلاعات آنها در سامانه ثبت احوال وجود دارد، اما در مدارس ما نیستند. هزاران دانش‌آموز در مدارس طلاب علوم دینی تحصیل می‌کنند که اطلاعاتشان در سامانه‌ها ثبت نشده است. صدها دانش‌آموز نیز به دلیل معلولیت‌های جسمی امکان تحصیل در مدارس عادی را ندارند. همه اینها را به عنوان بازمانده از تحصیل معرفی می‌کنند، در حالی که این تحلیل دقیق نیست».

گزارش «شرق» از ناپدیدشدن و قتل «محمد خالقی»، دانش‌آموز ۱۴ساله در چابهار، در گفت‌وگو با خانواده و اقوام

کودکی که برای نان رفت و برنگشت

جسد محمد برای بررسی‌های تخصصی به پزشکی قانونی منتقل شده و با توجه به نظر کارشناسان، انجام کالبدشکافی ضروری تشخیص داده شده است

مریم لطفی

خبر، عصر شنبه ۲۲ آذرماه، در چابهار پیچید؛ جایی دور از محل زندگی او، پیکر بی‌جان کودکی پیدا شد که دو روز تمام خانواده‌اش در کوچه‌ها و خیابان‌ها دنبالش گشته بودند. «محمد خالقی»، کودک اهل استان سیستان‌وبلوچستان که از عصر پنجشنبه ۲۱ آذرماه مفقود شده بود، با نشانه‌های آشکار یک قتل خشن کشف شد؛ قتلی که هنوز پاسخ روشنی برای چرایی و چگونگی آن ارائه نشده است. بر اساس گزارش منابع محلی و آنچه پلیس در بررسی‌های اولیه اعلام کرده، پیکر این کودک حوالی ساعت ۲۱ شب در محدوده پشت زندان چابهار پیدا شد. آثار بریدگی شدید در ناحیه گلو و سوختگی ناشی از آتش‌سوزی بر بدن او دیده می‌شد و شواهد اولیه حاکی از آن است که جسد پس از قتل، با بنزین به آتش کشیده شده است. جسد برای انجام کالبدشکافی به پزشکی قانونی منتقل شده و تحقیقات پلیس برای شناسایی عامل یا عاملان این جنایت همچنان ادامه دارد. محمد خالقی عصر پنجشنبه، حوالی ساعت ۱۸، برای خرید نان از خانه خارج شده بود؛ تلفن همراهش را در منزل گذاشت و دیگر هرگز بازنگشت. خانواده‌اش می‌گویند تا زمان کشف جسد، هیچ خبری از سرنوشت او نداشتند و جست‌وجوها، تماس‌ها و پرس‌وجوها به نتیجه‌ای نرسیده بود. آنها همچنین تأکید کرده‌اند که با هیچ فرد یا گروهی اختلاف یا درگیری نداشته‌اند و انگیزه این قتل برایشان کاملا نامعلوم است.

روایت پسرخاله محمد

جزئیات گم‌شدن محمد خالقی، ساعاتی پیش از کشف پیکرش، از خلال روایت نزدیکان او روشن‌تر می‌شود؛ روایت‌هایی که نشان می‌دهد این کودک چگونه در یک عصر عادی پاییزی، در فاصله‌ای کوتاه از خانه، ناپدید شد. امید میربلوچ، پسرخاله محمد، که از نخستین ساعات ناپدیدشدن او پیگیر ماجرا بوده، در گفت‌وگو با «شرق»، لحظه‌به‌لحظه آنچه را رخ داده، شرح می‌دهد؛ از خروج کودک برای خرید نان تا شبی که خبر پیداشدن جسد به خانواده رسید.

به گفته امید میربلوچ، محمد عصر پنجشنبه حوالی ساعت ۱۸:۲۰، به درخواست مادرش برای خرید نان از خانه خارج می‌شود. پیش از خروج، تلفن همراهش را در خانه می‌گذارد؛ تصمیمی که خانواده آن را ناشی از نگرانی‌های امنیتی منطقه می‌دانند. تصاویر دوربین یکی از همسایه‌ها نیز نشان می‌دهد کودک در همان ساعت از مقابل خانه همسایه عبور کرده و به سمت نانوایی رفته است. او توضیح می‌دهد هم‌زمان با ناپدیدشدن محمد، اعضای خانواده و فامیل در مراسم عروسی‌ای در روستا حضور داشته‌اند و خبر گم‌شدن کودک زمانی به آنها می‌رسد که شب شده است. خانواده محمد حوالی ساعت ۱۰ یا ۱۱ شب، موضوع را به امید اطلاع می‌دهند. امید میربلوچ می‌گوید در ابتدا تصور کرده ماجرا می‌تواند یک سوءتفاهم یا گم‌شدن موقت کودک باشد؛ احتمالی که در چنین موقعیت‌هایی پیش می‌آید.

به گفته او، از همان ساعات اولیه، تلاش برای پیداکردن محمد آغاز می‌شود. میربلوچ که در فضای مجازی دنبال‌کننده‌های زیادی دارد، با انتشار استوری و اطلاع‌رسانی گسترده در اینستاگرام، واتس‌اپ و دیگر شبکه‌ها، از مردم می‌خواهد در صورت داشتن هرگونه اطلاعات کمک کنند. خانواده و بستگان، شب و روز در انتظار خبری از کودک می‌مانند.

اما این انتظار، شامگاه شنبه با تماسی تلفنی به پایان می‌رسد. حوالی ساعت ۸ یا ۹ شب، یکی از اهالی منطقه میرآباد با خانواده تماس می‌گیرد و خبر می‌دهد جسدی در آن محدوده پیدا شده و از آنها می‌خواهد برای شناسایی مراجعه کنند. خانواده به محل می‌روند و با پیکر بی‌جان محمد روبه‌رو می‌شوند. میربلوچ تأکید می‌کند بر اساس آنچه خانواده در محل مشاهده کرده‌اند، گلوی کودک بریده شده بود و پیکر او پس از قتل با بنزین به آتش کشیده شده بود؛ اقدامی که به گفته او به‌نظر می‌رسد برای از بین بردن آثار جرم و از بین بردن اثر انگشت قاتل یا قاتلان انجام شده باشد. او در عین حال، برخی شایعات منتشرشده در فضای مجازی درباره مثله‌شدن شدید پیکر را رد می‌کند و می‌گوید خانواده فقط آثار بریدگی در ناحیه گلو و سوختگی جسد را مشاهده کرده‌اند.

به گفته او، با وجود سوختگی، خانواده توانسته‌اند محمد را از روی شلوارکی که در آخرین لحظات به پا داشته و بخشی از آن باقی مانده بود شناسایی کنند. همان شب، پیکر کودک تحویل گرفته می‌شود و خانواده وارد مراحل اداری و قانونی می‌شوند. میربلوچ در ادامه توضیح می‌دهد: «محل سکونت خانواده در شهرک نیلوفر، یکی از شهرک‌های جدید چابهار و در نزدیکی ترمینال است»؛ منطقه‌ای که به گفته او پیش‌تر شاهد چنین حوادثی نبوده‌اند. جسد اما در میرآباد پیدا شده؛ محدوده‌ای که فاصله قابل توجهی با محل زندگی کودک دارد. او در توصیف خانواده محمد می‌گوید این کودک یک خواهر بزرگ‌تر و یک خواهر کوچک‌تر حدود ۹ یا ۱۰ساله دارد و خانواده‌اش هیچ‌گونه اختلاف یا درگیری شناخته‌شده‌ای با فرد یا گروهی نداشته‌اند. به گفته او، پدر محمد، فردی خوش‌نام است که به عنوان مسافرکش فعالیت می‌کند و از ساعات عصر تا نیمه‌شب کار می‌کند. میربلوچ تأکید می‌کند حتی پس از وقوع حادثه، از پدر کودک پرسیده آیا با کسی اختلافی داشته یا تهدیدی متوجه خانواده بوده و پاسخ منفی شنیده است.

آرام‌ترین کودک خانواده

امید میربلوچ در ادامه گفت‌وگو، از وضعیت روحی خانواده، به‌ویژه مادر محمد، می‌گوید: «از همان لحظه‌ای که کودک ناپدید شد، مادرش دچار فروپاشی کامل روحی شده است. مادر محمد از روز گم‌شدن فرزندش، بی‌قرار فقط روی سجاده افتاد و با گریه از خداوند طلب رحم و صبر کرد؛ وضعیتی که پس از اعلام خبر کشف جسد، به‌شدت وخیم‌تر شد و خانواده عملا قادر به رسیدگی به امور روزمره خود نبوده‌اند». او می‌گوید محمد تنها پسر خانواده بوده؛ کودکی که با حداقل امکانات و در شرایطی دشوار بزرگ شده و همه امید خانواده به آینده او گره خورده بود. پدر و مادرش با وجود مشکلات معیشتی، تلاش کرده بودند مسیر تحصیل و زندگی بهتری برای او فراهم کنند.

محمد ۱۴ساله و دانش‌آموز پایه دوم متوسطه بود. پس از انتشار خبر قتل، خانواده برای اطمینان از نبود هرگونه درگیری یا مسئله پیشین، با دوستان مدرسه و اطرافیان او گفت‌وگو کرده‌اند. به گفته میربلوچ، هم‌کلاسی‌های محمد و بستگانش که به مدرسه مراجعه کرده‌اند، تأکید داشته‌اند که او دانش‌آموزی آرام، بی‌حاشیه و بدون هیچ‌گونه سابقه درگیری بوده است. او اضافه می‌کند حتی معلم محمد، که از دنبال‌کنندگان صفحه او در شبکه‌های اجتماعی بوده، پس از دیدن فراخوان‌ها برای یافتن کودک، با او تماس گرفته و گفته است محمد از آرام‌ترین و بی‌مسئله‌ترین دانش‌آموزان کلاس بوده؛ کودکی که به گفته معلمش «فرشته‌خو» بوده و هیچ نشانه‌ای از تنش یا اختلاف با دیگران نداشته است.

میربلوچ در توصیف ویژگی‌های شخصیتی محمد می‌گوید: «این کودک برخلاف بسیاری از هم‌سن‌وسالانش، علاقه‌ای به پرسه‌زدن بیرون از خانه یا رفت‌وآمدهای بی‌دلیل نداشت و بیشتر وقت خود را در خانه می‌گذراند؛ با تلفن همراه بازی می‌کرد یا به سرگرمی‌های ساده مشغول بود». او تأکید می‌کند که محمد نه وسیله ارزشمندی همراه خود داشته و نه حتی تلفن همراهش را با خود برده بوده؛ موضوعی که به گفته خانواده، هرگونه انگیزه سرقت را زیر سؤال می‌برد.

به گفته او، تاکنون خانواده از وقوع حوادث مشابه در آن محدوده اطلاع نداشته‌اند و همین مسئله، ابهامات و نگرانی‌ها را بیشتر کرده است. میربلوچ درعین‌حال می‌گوید خواسته اصلی خانواده، شناسایی سریع عامل یا عاملان این قتل است؛ نه‌فقط برای رسیدن به پاسخ، بلکه برای جلوگیری از تکرار چنین فاجعه‌ای برای دیگر خانواده‌ها، چه در چابهار و چه در دیگر نقاط کشور. او در پایان، از وضعیت بسیار نامساعد جسمی و روحی پدر محمد سخن می‌گوید؛ پدری که به گفته او، پس از اطلاع از جزئیات حادثه، حتی توان راه‌رفتن نداشته و اطرافیان مجبور شده‌اند او را برای پیگیری امور قضائی و حضور در آگاهی، همراهی و حمایت کنند. میربلوچ تأکید می‌کند که خانواده در این مرحله، بیش از هر چیز به آرامش، حمایت و پاسخ‌گویی مسئولان نیاز دارند.

ابهامات قتل محمد

در کنار روایت خانواده از ساعات گم‌شدن و کشف پیکر محمد خالقی، ابهام‌های جدی درباره ابعاد پرونده و روند رسیدگی قضائی همچنان باقی است؛ ابهام‌هایی که تا پیش از اعلام نظر رسمی پزشکی قانونی، پاسخ روشنی برای آنها وجود ندارد. نزدیکان این کودک می‌گویند آنچه تاکنون مطرح شده، بیش از آنکه مبتنی بر گزارش‌های قطعی باشد، بر حدس و گمان استوار است. دادمحمد ویدادزهی، پسرعمه محمد، در گفت‌وگو با «شرق» از همین زاویه، هم به وضعیت بررسی‌های پزشکی قانونی اشاره می‌کند و هم مطالبه اصلی خانواده را فراتر از یک پرونده جنایی، در سطح امنیت عمومی شهر مطرح می‌کند.

او توضیح می‌دهد که جسد محمد برای بررسی‌های تخصصی به پزشکی قانونی منتقل شده و با توجه به نظر کارشناسان، انجام کالبدشکافی ضروری تشخیص داده شده است. خانواده نیز بدون هیچ مخالفتی، مجوز انجام این فرایند را صادر کرده‌اند. به گفته ویدادزهی، پاسخ نهایی پزشکی قانونی بلافاصله آماده نخواهد شد و نمونه‌ها برای بررسی‌های تکمیلی به مراکز استانی و تهران ارسال می‌شود؛ فرایندی که ممکن است حدود یک ماه طول بکشد.

ویدادزهی در ادامه، بر بی‌گناهی کامل محمد تأکید می‌کند و می‌گوید او یک دانش‌آموز بوده که هیچ‌گونه رفتار خلاف قانون یا ناهنجار نداشته است. به گفته او، خانواده و اطرافیان نمی‌توانند هیچ توجیه یا انگیزه‌ای برای چنین قتل خشنی تصور کنند و همین مسئله، پرسش‌ها و نگرانی‌ها را دوچندان کرده است. او اضافه می‌کند: «مطالبه اصلی خانواده، فراتر از پیگیری یک پرونده جنایی، برقراری امنیت عمومی است». به گفته ویدادزهی، وقتی یک دانش‌آموز یا شهروند عادی احساس امنیت نداشته باشد، نمی‌توان از امنیت یک شهر سخن گفت. او تأکید می‌کند که تأمین امنیت، وظیفه‌ای است که برعهده حاکمیت و نهادهای مسئول قرار دارد و انتظار می‌رود این نهادها در برابر چنین رخدادهایی پاسخ‌گو باشند.

ویدادزهی تأکید می‌کند که خانواده نه به دنبال قضاوت زودهنگام، بلکه خواهان روشن‌شدن حقیقت و تضمین تکرارنشدن چنین فجایعی هستند. او در پایان، به وضعیت نامساعد روحی پدر و مادر محمد اشاره می‌کند و می‌گوید از دست دادن تنها پسر خانواده، آن‌هم در چنین شرایطی، فشار روانی سنگینی بر آنها وارد کرده است؛ فشاری که بدون حمایت اجتماعی و پاسخ روشن از سوی مسئولان، می‌تواند پیامدهای عمیق‌تری به دنبال داشته باشد.

دوربین‌های خواب و خراب شهر

درحالی‌که خانواده محمد خالقی همچنان در شوک از دست دادن او به سر می‌برند، پرسش‌های متعددی درباره مسیر ناپدیدشدن کودک، نحوه انتقال پیکر و خلأهای امنیتی در محدوده محل وقوع حادثه مطرح است. نزدیکان محمد می‌گویند بخشی از این ابهام‌ها به نبود یا از کار افتادن زیرساخت‌های نظارتی بازمی‌گردد؛ مسئله‌ای که روند کشف حقیقت را با دشواری روبه‌رو کرده است. خالد فولادی، دایی محمد، در گفت‌وگو با «شرق» با اشاره به روند رسیدگی به پرونده می‌گوید خانواده هیچ نشانه‌ای دال بر وجود انگیزه شخصی، اختلاف قبلی یا مسئله مشکوک در زندگی محمد پیدا نکرده‌اند و آنچه بیش از همه ذهن آنها را درگیر کرده، مسئله ناامنی و نبود نظارت مؤثر در مسیر تردد کودک است.

فولادی می‌گوید محمد از خانه خارج شده و مسیر حرکت او تا حدود ۲۰۰ متر نخست، در تصاویر یکی از دوربین‌های مداربسته ثبت شده است؛ تصاویری که نشان می‌دهد او به سمت نانوایی حرکت می‌کند. به گفته او، در همین تصاویر، عبور یک موتورسیکلت از همان مسیر دیده می‌شود، اما پس از آن، به دلیل نبود یا خرابی دوربین‌ها، ادامه مسیر نامشخص می‌ماند.

او توضیح می‌دهد که خانواده و بستگان، دوربین‌های موجود در مسیر را بررسی کرده‌اند؛ ازجمله دوربین مدرسه‌ای که در همان محدوده قرار داشته، اما این دوربین به گفته مسئولان مدرسه، مدت‌هاست خراب بوده است. فولادی اضافه می‌کند که دوربین مسجد ولی‌عصر، که در مسیر حرکت محمد قرار داشته، نیز خراب بوده است. به گفته او، خانواده از طریق متولیان مسجد و همچنین فرمانداری پیگیری‌هایی انجام داده‌اند، اما پاسخ دریافتی این بوده که دوربین‌ها فعال نبوده‌اند. خالد فولادی در ادامه به محل کشف جسد اشاره می‌کند و می‌گوید پیکر محمد در منطقه میرآباد، در فاصله‌ای حدود پنج تا ۱۰ کیلومتری از شهرک نیلوفر -محل سکونت خانواده- پیدا شده است. به گفته او، این فاصله نشان می‌دهد که کودک به مکانی دور از محل زندگی‌اش منتقل شده و همین موضوع، ابعاد پرونده را پیچیده‌تر می‌کند.

دایی محمد می‌گوید هنوز بررسی دوربین‌های زندان یا پایگاه‌های اطراف انجام نشده و خانواده امیدوارند این موضوع هرچه سریع‌تر از سوی نهادهای مسئول پیگیری شود. او ابراز امیدواری می‌کند که با بررسی دقیق تصاویر موجود و پاسخ پزشکی قانونی، عامل یا عاملان این جنایت شناسایی شوند. به گفته او، اطلاع‌رسانی شفاف و پاسخ‌گویی مسئولان، تنها راه بازگرداندن حداقلی از آرامش به خانواده و کاهش نگرانی‌های عمومی درباره امنیت شهروندان است. محمد خالقی، کودکی که عصر یک روز معمولی برای خرید نان از خانه بیرون رفت، حالا نامی است که در حافظه شهر با ترس، پرسش و اندوه گره خورده است. پشت این نام، خانواده‌ای ایستاده‌اند که هنوز در جست‌وجوی پاسخ‌اند؛ پاسخ به این پرسش ساده و دردناک که چگونه یک کودک، در فاصله‌ای کوتاه از خانه، به چنین سرنوشتی دچار شد.

جسد محمد برای بررسی‌های تخصصی به پزشکی قانونی منتقل شده و با توجه به نظر کارشناسان، انجام کالبدشکافی ضروری تشخیص داده شده است. خانواده نیز بدون هیچ مخالفتی، مجوز انجام این فرایند را صادر کرده‌اند. به گفته ویدادزهی، پاسخ نهایی پزشکی قانونی بلافاصله آماده نخواهد شد و نمونه‌ها برای بررسی‌های تکمیلی به مراکز استانی و تهران ارسال می‌شود؛ فرایندی که ممکن است حدود یک ماه به طول بینجامد

خبر

نسخه دولت برای ۱۱۰ هزار معتاد متجاهر

ایسنا: دبیرکل ستاد مبارزه با مواد مخدر با اشاره به اینکه براساس برآوردهای کارشناسی حدود ۱۰۰ تا ۱۲۰ یا ۱۳۰ هزار نفر به عنوان معتاد متجاهر در کشور شناخته می‌شوند، از اجرای طرح «دهکده امید زندگی» با هدف جلوگیری از بازگشت معتادان بهبودیافته به چرخه مجدد اعتیاد خبر داد. حسین ذوالفقاری به ترسیم وضعیت معتادان متجاهر در کشور پرداخت و گفت: «آمار معتادان متجاهر که به تعبیری بی‌سرپناه هستند کامل نیست، زیرا اساسا در هفت استان مرکز ماده ۱۶ وجود ندارد. در مرکز ۲۴ استان نیز، مراکزی تحت عنوان مراکز ماده ۱۶ فعال بوده‌اند که البته اکنون با تغییر ساختاری مد نظر، در قالب طرح‌هایی مانند «دهکده‌های امید زندگی» فعالیت می‌کنند، به طوری که افراد بی‌سرپناهی که در پارک‌ها و معابر عمومی مواد مخدر مصرف می‌کنند و فاقد سرپناه هستند، در این مراکز نگهداری می‌شوند».

به گفته دبیرکل ستاد مبارزه با مواد مخدر، بدون احتساب موارد تکراری، بیش از ۱۰۰ هزار نفر وارد مراکز ماده ۱۶ شده‌اند. او با بیان اینکه نکته‌ای که در این زمینه وجود دارد این است که همه این افراد مشمول قانون نمی‌شوند، تأکید کرد: «اما مسئله‌ای که وجود دارد، بحث غربالگری است؛ طبق قانون، کسانی معتاد متجاهر تلقی می‌شوند که بی‌سرپناه باشند و به اعتیاد تجاهر کنند، اما بررسی برخی مراکز نشان می‌دهد بسیاری از این افراد دارای شغل هستند، ولی به لحاظ نوع مواد مصرفی، شرایط مناسبی ندارند. بسیاری از آنها نیز دارای خانواده هستند؛ با احتساب این دسته افراد، تعداد کسانی که طی این سال‌ها وارد این مراکز شده‌اند، بیش از ۱۰۰ هزار نفر محاسبه می‌شوند».

بنابر صحبت‌های دبیرکل ستاد مبارزه با مواد مخدر، با در نظر گرفتن این ملاحظات، برآورد کارشناسی نشان می‌دهد تعداد معتادان متجاهر مشمول قانون در کشور، رقمی در حدود ۱۰۰ تا ۱۲۰ یا ۱۳۰ هزار نفر است که به عنوان معتاد متجاهر شناخته می‌شوند. او در توضیح بیشتر معتادان متجاهر افزود: «این افراد پیش‌تر، در فضاهایی از جامعه همچون زیر پل‌ها، پارک‌ها و معابر شهری حضور داشتند و در مقطعی، مسئولان کشور تصمیم گرفتند مراکزی برای این افراد ایجاد کنند تا این معتادان بتوانند در کنار ترک اعتیاد، اشتغال و سرپناه داشته باشند؛ این اقدام در زمان خود کار ارزنده‌ای بود». او با اشاره به جزئیات اجرای طرح دهکده امید زندگی، تأکید کرد: «برای این امر، یک نقشه تیپ طراحی شده تا علاوه بر بازتوانی، برای این افراد حرفه‌آموزی انجام شود و با همکاری بخش خصوصی نیز کارگاه‌هایی در این مراکز فعال شوند. علاوه بر این، محل اسکان بعد از بازتوانی و اشتغال نیز برای آنها جدا شود».

او توضیح داد: «در این الگو، مراکز ساماندهی در قالب «دهکده امید زندگی» و در سه بخش تعریف می‌شوند؛ بخش نخست به درمان، بازتوانی و مهارت‌آموزی اختصاص دارد، بخش دوم به اشتغال پایدار و بخش سوم به اسکان افرادی که فاقد سرپناه هستند تا از بازگشت مجدد آنان به خیابان جلوگیری شود. تلاش شده این فرایند به‌گونه‌ای طراحی شود که در نهایت به بازاجتماعی‌شدن افراد بینجامد؛ به این معنا که پس از طی مراحل درمان و اشتغال، زمینه بازگشت تدریجی آنها به خانواده و زندگی عادی فراهم شود. در کنار این موضوع نیز بحث دیگری که دنبال می‌شود این است که بتوانیم حالت خوداتکایی در افراد ایجاد کنیم تا هزینه‌ای بر بودجه کشور نیز تحمیل نشود و چرخه بازگشت به اعتیاد قطع شود».

ذوالفقاری درباره هزینه‌های فعلی نگهداری معتادان متجاهر نیز توضیح داد: «در حال حاضر، هزینه سرانه نگهداری هر فرد در این مراکز به‌طور میانگین روزانه حدود ۲۵۰ هزار تومان است که ماهانه حدودا به هفت تا ۷.۵ میلیون تومان می‌رسد. این مبلغ عمدتا هزینه‌های اولیه مانند تغذیه و نگهداری روزمره را پوشش می‌دهد».